

برنامه حزب توده ایران

مصوب سومین کنگره حزب توده ایران

پیشگفتار

۱- جهان، در آستانه هزاره سوم در حال تغییر و تحول عمیق است. تحولات و دگرگونی‌ها در کشورهای اروپای شرقی و فرپاشی اتحاد جماهیر شوروی، موازنه قدرت در جهان را به طرز یکجانبه‌ای به نفع آمریکا و متحدانش تغییر داده است.

آنچه که امروز "نظم نوین جهانی" نامیده می‌شود، تنها به مفهوم یک تازی امپریالیسم آمریکا و متحدانش در عرصه سیاست جهانی و تشدید فشار و گسترش مداخلات در کشورهای جهان سوم است. یورش وسیع نظامی آمریکا و متحدانش به خلیج فارس با استفاده از پوشش سازمان ملل متحد، و قتل عام وحشیانه هزاران انسان بی‌گناه در منطقه، تشدید فشار بر کشورهایمانند کوبا، ویتنام و ...، فشار بر جنبش‌های ملی و استقلال طلب در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین، و فشار آمریکا و اسرائیل برای تحمیل صلح دلخواه خود به خلق‌های عرب و خصوصاً مردم فلسطین، از نمونه‌های این "نظم نوین جهانی" است.

۲- مذاکرات طولانی میان دو کشور ایالات متحده و اتحاد شوروی که به نتایج مثبتی در زمینه کاهش برخی از انواع سلاح‌های هسته‌ای انجامیده بود، با فرپاشی اتحاد شوروی اهمیت تاریخی خود را از دست داد. نادرست خواهد بود اگر تصور شود که پایان جنگ سرد به معنی کاهش خطر جنگ هسته‌ای در جهان است. تداوم یکجانبه‌انباشت سلاح‌های کشتار جمعی در کشورهای امپریالیستی، از بین رفتن کنترل مرکزی بر سلاح‌های هسته‌ای موجود

در اتحاد شوروی سابق، و تمایل پاره ای از کشورهای جهان به دست یابی به تکنولوژی تولید و مونتاژ سلاحهای هسته ای، بیولوژیک و شیمیایی، در مجموع صلح و امنیت جهان را بیش از پیش به مخاطره انداخته است.

۲ - سالهای میانی دهه هشتاد شاهد روی کار آمدن رهبری جدیدی در حزب کمونیست اتحاد شوروی و به دنبال آن آغاز روند دگرگونسازی در این کشور و سایر کشورهای سوسیالیستی در اروپای شرقی بود. این روند که با هدف دگرگون ساختن سوسیالیسم و زیر شعار "سوسیالیسم بیشتر" آغاز شد، در عمل نتوانست دستاوردهای موجود را به نفع توده های زحمتکش بسط و گسترش دهد و این کشورها را از قید بوروکراسی و مشکلات عظیم اقتصادی - سیاسی رها سازد. خیانت بخشی از رهبران احزاب کمونیست حاکم به آرمان های سوسیالیسم، نقش موثری در فروپاشی نظام های موجود در این کشورها بازی کرد.

روند تلاشی سیستم جهانی سوسیالیستی، که امپریالیسم همواره خواهان آن بود، در عمل به تکوین نوع جدیدی از دیکتاتوری زیر پوشش دموکراسی در این کشورها منجر شد. روحیه ملی گرایی اوج گرفت و به طور فزاینده ای به جنگ های برادرکشی در کشورهای سوسیالیستی فرا روید. اثرات منفی این روند از هم اکنون بسیاری از خلق های محروم دیگر کشورهای جهان را نیز به کام خود فرو برده است.

۴ - به نظر حزب توده ایران، اندیشه و آرمان سوسیالیسم در مفهوم عام شکست ناپذیر است. اصل تکامل جوامع بشری از یک صورتبندی اجتماعی به صورتبندی عالی تر، همچنان معتبر بوده و از این رو دوران سرمایه داری نیز خاتمه پیدا خواهد کرد و صورتبندی متکامل تری جای آن را خواهد گرفت.

تا زمانی که جوامع بشری به طبقات متخاصم تقسیم شده اند، و تا هنگامی که بی عدالتی، فقر و ظلم در جهان حکومت می کند، مبارزه در راه رسیدن به جامعه ای عاری از این مشکلات، میلیونها انسان در سراسر جهان را به مبارزه در راه این آرمان های والا و همه بشری فرا خواهد خواند و راه آینده روشن و انسانی تری را خواهد گشود.

۵ - بدون حل معضلات مترک مربوط به بخش اعظم ساکنان کره زمین که در جهان سوم بسر می برند، از هیچ تحول فزاینده در عرصه بین المللی نمی توان سخنی به میان آورد. کشورهای جهان از لحاظ اقتصادی به دو گروه تقسیم شده اند: رشديافته صنعتی و واپس مانده اقتصادی. در هیچ دورانی از تاریخ بشر، اینهمه نعم مادی در جهان تولید نمی شد. اما، این نعم بطور عمده در حیطه دسترسی چند کشور رشد یافته صنعتی است. در اکثر کشورهای جهان فقر و گرسنگی عقب ماندگی اقتصادی وحشتزایی حکمفرماست.

حرف برسر زودن آثار فاجعه بار فقر و فلاکت، نجات میلیونها انسان از گرسنگی و بیماری، تامین اشتغال برای صدها میلیون انسان، تامین یک زندگی انسانی برای مردم جهان سوم است. این شکاف عمیق بین سطح زندگی مردم جهان سوم و مردم کشورهای صنعتی پیشرفته بیش از هرچیز محصول بهره کشی امپریالیستی از این کشورها است. باید به این وضع غیرقابل تحمل پایان داده شود.

۶ - حفظ محیط زیست از جمله ارزش های همه بشری است که تمام طبقات و ملل در آن شریک هستند. با توجه به صدماتی که طی دهه ها از جانب کشورهای پیشرفته صنعتی به محیط زیست وارد شده است، مردم در سراسر جهان روز به روز آگاهانه تر خواستار حفظ محیط زیست برای نسل خود و آیندگان می شوند. حفظ محیط زیست در بسیاری مواقع مستلزم بکار گرفتن روش های پرخرج تر و کم سود تر می باشد. از این رو، موفقیت در این عرصه از جمله بدون کمک مالی و تکنیکی کشورهای پیشرفته جهان بسیار مشکل و بعید به نظر می رسد.

صدمات وارده به محیط زیست در پی جنگ در خلیج فارس، که امروز به آلودگی شدید سیستم اکولوژیکی منطقه منتهی شده است، توجه به حفظ سلامت محیط زیست در منطقه خلیج فارس را، که به واسطه تمرکز عظیم صنایع نفت همواره در خطر آلودگی جدی قرار دارد، ضروری می سازد.

اینها از جمله معضلاتی هستند که مسائل کنونی جهان را بدون توجه به آنها نمی توان حل و فصل کرد.

تحول در عرصه بین المللی و مواضع

حزب توده ایران

۱ - در عرصه جهانی

تحولات در عرصه بین المللی، قبل از هرچیز، با مسئله حیاتی بقا و یا نابودی تمدن بشری ارتباط دارد. آغاز جنگ هسته ای، یعنی نابودی بشریت، منطقیاً همه طبقات و لایه های اجتماعی در سراسر جهان باید به يك اندازه در جلوگیری از بروز جنگ و انفجارات هسته ای، و حفظ صلح و تامین امنیت نینفع باشند. اصل اولویت ارزش های همه بشری نسبت به منافع طبقاتی به مثابه یکی از اصول مهم نوین در برخورد به معضلات بین المللی، ریشه در درک این واقعیت دارد.

به این دلیل حزب توده ایران:

- ۱- اصل اولویت ارزش های همه بشری را می پذیرد. این امر، در ارتباط با درک انباشت خطرناک سلاح های کشتار جمعی و خطر بروز جنگ و انفجارات ویرانگر هسته ای است؛
- ۲- ارزش های همه بشری را جدا از آزادی و دموکراسی و عدالت اجتماعی نمی داند؛
- ۳- ارزش های همه بشری را شامل:
 - خلع سلاح کامل هسته ای؛
 - کاهش سلاح های عادی؛
 - جلوگیری از جنگ های منطقه ای؛
 - حق انسانها در تعیین سرنوشت خویش؛
 - نفی استفاده از زور در مناسبات میان کشورها؛
 - دموکراتیزه کردن مناسبات بین المللی و پایان دادن به سیادت سیاسی و اقتصادی امپریالیسم؛
 - اجرای کامل مفاد منشور حقوق بشر توسط همه دولتها؛
 - مبارزه با گرسنگی و فقر و بیسوادی در سراسر جهان و ایجاد شرایط لازم برای پایان دادن به واپس ماندگی اقتصادی کشورهای جهان سوم؛ و نیز

-مبارزه در راه سالم سازی محیط زیست می داند.

حزب توده ایران:

- عمیقاً به پیوند ناکسستگی میان منافع طبقاتی و ارزش های همه بشری باور دارد. معتقد به وجود طبقات در هر جامعه است و بروز تضادها و اختلاف ها را محصول مستقیم و اجتناب ناپذیر آن می داند؛

- پیکار در راه صلح پایدار را وظیفه مستمر خود می شناسد و از سیاست همزیستی مسالمت آمیز میان دولت ها دفاع می کند؛

- اصل همزیستی مسالمت آمیز را به معنای قاطعیت در دفاع از اصول و انعطاف پذیری در تاکتیک، سازش در حل مسایل سیاسی مورد اختلاف میان دولت ها، و نفی تفکر دگماتیک و سکتاریستی در برخورد به معضلات بین المللی می داند؛

- خواهان انحلال پیمان ناتو و دیگر پیمان های نظامی در سراسر جهان است؛

- خواهان کاهش بودجه تسلیحات نظامی و قرار دادن آن در خدمت رشد اقتصادی و تأمین زندگی شرافتمندانه برای انسان ها است؛

- خواهان استقرار مناسبات دوستانه و برابر حقوق بین همه کشورهای جهان است؛

- از مبارزات خلق های جهان سوم و تمامی نیروهای مترقی و دموکراتیک در سراسر جهان در راه صلح، آزادی، دموکراسی، عدالت و پیشرفت اجتماعی و علیه امپریالیسم پشتیبانی می کند

۲- در عرصه داخلی

حزب توده ایران مبارزه در راه آزادی اندیشه، بیان و ایجاد روابط اجتماعی برپایه انسانی (هومانستی) و همبستگی و هممردی میان انسانها را در مرکز اهداف خود قرار می دهد.

هر شهروند، هر گروه و لایه اجتماعی و ملی و هر نیروی سیاسی دموکراتیک باید دارای حقوق برابر در زمینه ارائه آزاد نظرات و عقاید و اندیشه های خود باشد و بتواند در محیط سالم دموکراتیک از آنها دفاع کند. مراعات بدون تبعیض آزادی های دموکراتیک و احترام به شخصیت و امنیت انسان، صرفنظر از اینکه در کدام پله طبقاتی قرار گرفته باشد، شرط اولیه آزادی و دموکراسی مورد نظر حزب است.

برخورد عقلایی با واقعیات جامعه، توجه به منافع نیروهای محرکه، درک شرایط مشخص تاریخی ایران و وزن مخصوص هر یک از اجزای نیروهای محرکه در آن، سنگپایه خط مشی سیاسی حزب، به ویژه در راه ایجاد تحولات ریشه ای اجتماعی در مقیاس داخلی است.

حزب توده ایران در این مرحله از مبارزه برای منافع همه خلقی، یعنی خواسته های دموکراتیک عام ارجحیت قائل است و می کوشد تا از چپ روی یا راست روی در سیاست که خواه ناخواه به اشتباه منجر خواهد شد، بپرهیزد.

حزب توده ایران، ایجاد سازمان مخفی در دوران کار علنی و قانونی حزب با هر شکل و مضمونی را مطرود می داند. حزب ما اعلام می دارد که فعالیت حزب، در ایرانی آزاد و مستقل و دموکراتیک، کاملاً علنی خواهد بود و اعمال آن از طریق مطبوعات در معرض قضاوت عام قرار داده خواهند شد.

حزب توده ایران، نظر نادرست شناسایی مارکسیسم به مثابه مجموعه ای از نسخه های از پیش آماده شده و رهنمودهای خشک و جامد را رد می کند و با هرگونه الگوبرداری مخالف است. حزب از اشکال گوناگون اصلاحات اجتماعی - اقتصادی ثمربخش برای برون رفت از بحران ساختاری و تامین رفاه توده های محروم، صرفنظر از مجریان آن، دفاع خواهد کرد؛

حزب، مبارزه در راه آزادی و دموکراسی، صلح و عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه" را یگانه سیاست معقول و منطقی در شرایط ایران می داند و دستیابی به دموکراسی را هدف عمده و شرط اصلی ایجاد جو فعال و سالم برای تکامل جامعه می شمارد و خواهان دموکراسی پارلمانی و اقتصادی به همراه خودگردانی شهرها و استانها است.

حزب توده ایران دموکراسی را به معنای:

- مراعات کامل آزادی های دموکراتیک؛

- آزادی احزاب و اجتماعات و سندیکاها و اتحادیه های صنفی؛

- آزادی بیان و قلم و عقیده و باورهای مذهبی؛

- احترام به منشور حقوق بشر و اجرای بدون قید و شرط اصول

آن؛ و

- پذیرش پلورالیسم سیاسی و اقتصادی می داند.

حزب، برای طرد اصل "ولایت فقیه" به مثابه هسته مرکزی ایدئولوژیک - سیاسی حاکمیت کنونی اهمیت ویژه ای قائل است. رسیدن به این هدف مستلزم تحول ساختاری در حاکمیت، از طریق ایجاد یک حکومت دموکراتیک منکی بر اراده واقعی مردم و تدوین قانون اساسی نوین با مضمون نفی حکومت تئوکراتیک - استبدادی و نیز جدایی دین از حکومت است.

حزب خواهان استقرار حاکمیت خلق درعالی ترین سطح آن است، حاکمیتی که تفاهم اکثریت شهروندان بر اساس تبادل نظر آزاد، بنیاد آن را تشکیل دهد. چنین شکلی فقط در محدوده یک حکومت حقوقی تحقق پذیر است؛

حزب توده ایران با توجه به کثیرالمله بودن ایران:

- شکل حکومتی "جمهوری فدرال" را ارجح می شمارد و در این راه مبارزه می کند؛

- مخالف هرگونه تظاهر ملی گرای و شوینیسیم عظمت طلبانه است؛

- برای حفظ تمامیت ارضی کشور در جهان پرتلاطمی که احساسات ملی در سراسر آن اوج می گیرد، معتقد به

دادن حق تشکیل مجلس و دولت ملی به خلق های ساکن ایران در محدوده جمهوری فدرال است؛

- به فرهنگ و زبان و سنن و آداب خلق های ساکن ایران احترام می گذارد و با هرگونه عمل قهرآمیز در مقابله با

خواستهای انسانی و عادلانه خلق ها مبارزه می کند؛

- برآن است که فقط با دادن حق تعیین سرنوشت به خلق ها در چارچوب ایران واحد و دموکراتیک می توان به

همبستگی و وحدت خلق ها برای حل معضلات مشترک عظیم اجتماعی - اقتصادی و سیاسی، دست یافت؛

- حق اقلیت های مذهبی ساکن ایران را به برخورداری از کلیه حقوق اجتماعی و فرهنگی خود به رسمیت می

شناسد؛

- طرفدار تامین استقلال اقتصادی - سیاسی ایران در جهان دارای وابستگی متقابل و یکپارچه است. منظور از استقلال سیاسی، منفرد ساختن کشور از جامعه بین المللی نیست، هدف تعیین سرنوشت حال و آینده کشور به دست ایرانی است.

حزب توده ایران:

- در راه عدالت اجتماعی مبارزه می کند و در این زمینه دفاع از منافع توده های زحمتکش - کارگران و دهقانان - و نیز کسبه و پیشه وران و کارمندان و روشنفکران را مد نظر دارد.

- از عدالت اجتماعی متکی بر اشکال گوناگون مالکیت که به همه شهروندان و طبقات و لایه های مختلف اجتماعی امکان برابر برای تحقق خواسته های خویش در جهت اعتلای کشور بدهد، حمایت می کند؛

- خواهان تامین اجتماعی برای همه است و دستیابی به بالاترین سطح اشتغال را هدف قرار می دهد!

- در راه ایجاد یک سیستم تامین اجتماعی که به طور موثر در حفاظت از حقوق بازنشستگان، اقشار کم درآمد، معلولین، کودکان بی سرپرست و بیماران عمل نماید، مبارزه می کند؛

- ایجاد یک سیستم فراگیر و ملی بهداشت را که خدمات بهداشتی و درمانی مورد نیاز تمامی اقشار جامعه را صرفنظر از تعلق طبقاتی آنان تامین کند از ضروریات اولیه می شناسد و در این راه مبارزه می کند؛

- اصلاحات ارضی به سود دهقانان، تجدید ساختمان روستاها، کمک به دهقانان از طریق ایجاد شرایط برای کشت و داشت و برداشت را عامل تعیین کننده در افزایش تولید محصولات کشاورزی تا سطح خودکفایی نسبی می داند؛

- خواهان لغو کلیه قوانین تصویب شده در جمهوری اسلامی علیه زنان میهنان و تحقق بخشیدن به برابری حقوق زن و مرد در همه عرصه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است؛

- در راه شناسایی و تضمین حق تشکیل آزادانه سازمان های صنفی (سندیکا، اتحادیه، شورا، تعاونی و غیره) برای کلیه کارگران، دهقانان، کارمندان و دیگر زحمتکشان شهر و روستا در مقیاس واحد کار، رشته کار و در مقیاس سراسری مبارزه می کند؛

- معتقد به نقش حساس روشنفکران و هنرمندان در تامین پیشرفت جامعه و بالا بردن سطح فرهنگی آن است و از منافع آنها دفاع می کند؛

- تنها راه تضمین پیشرفت اجتماعی را در ایجاد یک سیستم یکپارچه آموزش و پرورش ملی که دربر گیرنده بخش های آموزش ابتدایی، متوسطه، حرفه ای و آموزش عالی باشد می داند و معتقد است که تنها در چنین سیستم فراگیری تمام مردم ایران، صرفنظر از تفاوت های ملی، مذهبی، طبقاتی و جنسی، حق استفاده برابر از امکانات آموزشی را خواهند داشت؛

- ایجاد شرایط اجتماعی برای تحقق حقوق اساسی جوانان برای شرکت در حل مسائل مربوط به خود را ضروری می شمارد؛

- دفاع از خانواده و تامین زندگی نسبتاً مرفه برای باز نشستهگان را از وظایف اصلی خود می داند؛

- بنا بر خصلت ملی و میهن دوستانه اش مدافع تمامیت ارضی ایران است و به همین سبب خواهان نوسازی نیروهای مسلح از طریق ایجاد ارتشی دمکراتیک، مجهز به سلاح های تدافعی است، و وظیفه ارتش را دفاع از

مرزهای ایران می‌داند؛

- مخالف استفاده از ارتش برای سرکوب جنبش‌های اعتراضی است. از این نظر نگهداری "سپاه پاسداران انقلاب" را که به یک نهاد سرکوبگر تبدیل شده، زائد می‌داند و خواهان الغای آن است؛
- بر آن است که دکترین نظامی حکومت دمکراتیک باید دفاعی و منمکس‌کننده خواست مردم دایر بر پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی در منطقه خلیج فارس و خاور نزدیک و تبدیل آن به منطقه غیرهسته‌ای، و تأمین صلح و امنیت و کاهش بودجه نظامی تا حد متناسب با دکترین نظامی دفاعی باشد؛
- خواهان انحلال "وزارت اطلاعات" و دیگر ارگان‌های سرکوبگر، و ایجاد نیروهای دمکراتیک انتظامی در خدمت مردم برای حفظ نظم و انضباط در جامعه در محبوه قانون است؛
- تفکیک فعالیت سه قوه قانونگذاری و اجرایی و قضایی و تأمین استقلال قوه قضایی را شرط لازم برای دمکراتیزه کردن جامعه می‌داند. فقط قانون باید در کشور حکمروا باشد و همه در برابر آن متسایر الحقوق باشند.

پرتامه رشد اجتماعی - اقتصادی

در ایران مناسبات سرمایه داری مخدوش حاکم است. ماهیت روینای سیاسی، ضد دمکراتیک و استبدادی است. استبداد در هر شکلش سد راه پیشرفت اجتماعی است و رشد واقعی نیروهای مولد را غیرممکن می‌سازد. وقتی خودکامگی در پوشش مذهبی تجلی می‌کند، تاثیر منفی آن شدت می‌یابد و مانع دستیابی به استقلال اقتصادی مورد نظر می‌شود. اما، استقلال هم جدا از آزادی و دمکراسی نیست و مجموعه آنها پیوند ناگسستی با ماهیت رشد اقتصادی دارند. در عصر پیشرفت سریع انقلاب علمی - فنی، رشد اقتصادی، بدون مراعات اکید پلورالیسم سیاسی، که برای انتخاب مساعدرترین و ثمربخش‌ترین مدل اقتصادی رشد ضرورت دارد، مقور نیست.

تجربه سال‌های پس از انقلاب بهمن ۵۷ نشان داد که رژیم تئوکراتیک حاکم بر ایران، نه تنها قادر نشد میزان وابستگی به تولید کشورهای رشدیافته صنعتی را کاهش دهد، بلکه آن را ژرفتر نیز کرد، و با جلوگیری از رشد اقتصادی - اجتماعی و "واپس راندن" سیران، انواع تضادهای نوین بر تضادهای قبل از انقلاب بهمن ۵۷ افزود. عملکرد رژیم استبداد مذهبی از سویی و ناتمام ماندن و در مواردی حتی "عقب" رانده شدن رشد موزون طبقات و لایه‌های اجتماعی از سوی دیگر از عوامل اصلی بروز وضع بحرانی کنونی در جامعه است.

رشد ناهنجار بورژوازی در ایران تاریخ طولانی دارد و محصول سیاست رژیم حاکم گذشته در عرصه اجتماعی - اقتصادی و سیاسی بود. لایه ویژه "بورژوازی صنعتی" - مالی گذشته با درهم آمیزی سرمایه‌های داخلی و خارجی (تحت کنترل دومی) و با تکیه بر تولید کشورهای پیشرفته صنعتی به معنای استفاده از تکنیک و تکنولوژی و مواد نیم ساخته و خام آنها رشد یافت. این لایه اجتماعی که در کوتاه مدت توانست قدرت اقتصادی عظیمی را در دست خود متمرکز سازد، به علت "مصنوعی" بودن رشدش، قادر نشد به حاکمیت سیاسی دست یابد. و این یکی از شاخه‌های سیاست رژیم حاکم بود که حتی المقدور مانع رشد موزون و قانونمند بورژوازی به مثابه یک نیروی سیاسی موثر در اداره امور کشور، گردید.

مشابه این روند، البته به شکل دیگری در سیر تکاملی طبقه کارگر جریان داشت. ساختار طبقه کارگر به علت عدم وجود صنایع کلیدی و تولید صنعتی به معنای واقعی، نیمه تمام باقی ماند. هشتاد درصد کارگران ایران در آن ایام بی سواد و یا کم سواد بودند. این پدیده عمیقا منفی محصول خصلت صنایع مونتاژ بود که نیازی به کارگر آموزش دیده و ماهر نداشت.

ضعف مجموعه بورژوازی ایران و اینکه حاضر نبود در عصر انقلاب علمی - فنی، در صنایع سرمایه بر دارای آینده سرمایه گذاری کند، و به نستیابی به سود هرچه زودتر و هرچه سریع تر بسنده کرد، به موازات ضعف ساختاری طبقه کارگر و رشد ناموزون بخش خدمات به مثابه منبع رشد بیسابقه لایه های میانی و بینابینی و عدم امکان تشکل آنها، خواه ناخواه روپنای خاصی را تقویت کرد که فقط با توسل به زور می توانست حکومت کند. انقلاب بهمین ۷۷ که منطقا و از لحاظ عینی برای پایان دادن به این سیستم روپنایی تحقق یافت، در عمل ناکام ماند، و نتوانست اهداف اولیه خود را تحقق بخشد. درست است که در آغاز، لایه معینی از بورژوازی دولت را اداره کرد. اما، این گروه نیز به علت ناتمام ماندن رشدش، نمی توانست در رویارویی با خمینی، به عنوان "سخنگوی خلق" عرض اندام کند. قبضه انحصاری حاکمیت از جانب خمینی و یارانش، بیانگر آن بود که راه هرگونه پیشروی جامعه مسدود خواهد بود. عملا نیز چنان شد.

سیاست رژیم، ساختار بورژوازی را معیوب تر کرد. حفظ صنایع وابسته که معنایی جز حفظ نظام "سرمایه داری وابسته" نداشت و تکیه بر استراتژی صنایع کوچک زمینه را برای رشد بیسابقه "عقب مانده" ترین و انگل ترین لایه بورژوازی - بورژوازی تجاری، واسطه و صراف - آماده کرد. این نیز به تشدید وابستگی انجامید.

مدل اجتماعی - اقتصادی رژیم "ولایت فقیه" به افزایش کمی سریع لایه های بینابینی در کلیه زمینه ها منجر گردید. این سیاست روپنای نوین دیکتاتوری را این بار با نقاب مذهبی که مانند گذشته می بایست از حربه ترور و اختناق برای حفظ خود استفاده کند، بوجود آورد. سیاست "جنگ، جنگ تا پیروزی" خمینی، ضربه مهلکی بر پیکر اقتصاد بیمار ایران وارد آورد. کارگاههای مونتاژ به علت نبود مواد اولیه و قطعات یدکی و مواد نیم ساخته یا تعطیل شدند و یا تولیدشان به حداقل ظرفیت کاهش یافت. میلیونها انسان بیکار به "بازار کار" افزوده شد. جنبش اعتصابی کارگری که ضعیف بود، باز هم ضعیف تر شد. "ادامه جنگ"، گسترش رشوه خواری و سوء استفاده روحانیون دست اندرکار معاملات خارجی را، موجب گردید. و لایه بورژوازی بوروکراتیک نسل جدید را در کشور بوجود آورد. این لایه تاثیر زیادی در تدوین و اجرای سیاست داخلی و خارجی دارد.

در سال های پس از انقلاب به علل گوناگون، از جمله افزایش بی حد کارکنان بخش دولتی و نهادها و بنیادهای گوناگون نخواست و نیز ایجاد کارگاههای کوچک و گسترش شبکه توزیع کالا به مثابه پر درآمدترین "فعالیت اقتصادی"، لایه های بینابینی و میانه، جای مهمی را در ساختار جامعه به خود اختصاص دادند. هر نوع تحول در آینده، بدون توجه به خواست های این لایه ها و بدین ترتیب شرکت فعال آنها در مبارزه، ممکن نخواهد شد.

در این مورد نباید نقش دهقانان کم زمین و بی زمین را نیز از نظر دور داشت. این يك قشر وسیع در روستاهاست و تاثیر خود را بر رویدادهای کشور برجای خواهد گذاشت. مهاجرت روبه تزاید روستائیان از هستی ساقط شده به شهرها لایه نوینی از "حاشیه نشینان" در تهران و اکثر شهرهای بزرگ ایران بوجود آورده است. مجموعه این عوامل که نتیجه سیاست رژیم حاکم است، کشور را با بحران ساختاری روپرو کرده است. این روند

به همراه تاثیر منفی مبارزه جناحهای گوناگون در هرم حاکمیت و پیرامون آن بر سر قبضه انحصاری حاکمیت، هم بورژوازی صنعتی و هم اکثر لایه های بینابینی را از رژیم دور می کند. سرمایه که نیاز به ثبات و امنیت و آزادی عمل دارد به خارج منتقل می شود. گسترش بحران در ژرفا و پهنا به بی ثباتی رژیم می انجامد.

نبود سرمایه، ترابری، مواد اولیه، لوازم یدکی، کالاهای نیم ساخته، قطعات منفصله، ماشین آلات، نیروی انسانی ماهر، تکنیک و تکنولوژی بومی، کاهش تولیدات صنعتی و کشاورزی در مقایسه با سال های قبل از انقلاب بهمن ۵۷، کاهش سرسام آور تولید ناخالص داخلی و درآمد ملی، انباشت ثروت در يك قطب محدود و فقر در قطب گسترده، ناسالمی محیط کسب و کار، گرانی سرسام آور، تورم فزاینده، گرسنگی، بی سرپناهی خانواده ها و خیابان خوابی، بیفوله نشینی، بیماری، بی سوادی، بیکاری روزافزون، گسترش اعتیاد و فحشا و فساد از ویژگیهای رژیم "ولایت فقیه" در آغاز دهه دوم حاکمیت روحانیون و آخرین دهه سده بیستم است. گسست شیرازه اجتماعی - اقتصادی و فقدان امکان پیوند دادن مجدد آن، یکی از مهمترین معضل کشور است. در شرایط ادامه ساختار کنونی حاکمیت متکی بر اصل "ولایت فقیه"، راه برون رفت از بن بست وجود ندارد. رژیم می تواند با اخذ وام یا بهره سنگین بیماری مزمن اقتصادی را فقط اندکی تسکین دهد.

ایران از نظر اقتصادی و اجتماعی در زمره کشورهای عقب مانده قرار دارد. در شرایط رشد سریع انقلاب علمی و فنی، کشور هنوز فاقد تولید و تجدید تولید صنعتی به معنای آنچه در کشورهای پیشرفته صنعتی جریان دارد، و متکی به اقتصاد تک کالائی و وابسته به درآمد نفت است. برای آنکه بتوان در فاصله زمانی کوتاه سیر این روند را متوقف ساخت، باید مناسب ترین راه رشد اجتماعی - اقتصادی در مرحله حاضر را انتخاب کرد. باید چنان راه رشدی را برگزید که بتوان از همه امکانات داخلی و خارجی برای متوقف ساختن سیر قهقهرانی جامعه و تامین خودکفایی نسبی استفاده بهینه کرد.

به باور حزب توده ایران، مدل رشد اجتماعی - اقتصادی، قبل از هرچیز باید منافع همه مردم و سرنوشت کشور را در مرکز توجه خود قرار دهد. حل مشکلات عظیم اقتصادی، مالی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، فقط با شرکت طبقات و لایه های گوناگون جامعه امکان پذیر است.

حزب توده ایران با تحلیل عمیق و همه جانبه ساخت جامعه، آرایش نیروها و نیز ضرورت بهره گیری از همه امکانات مادی و معنوی برای تامین رشد سریع اقتصادی در شرایط کنونی، وجود سه نوع مالکیت دولتی، تعاونی و خصوصی را در کشور ضرور می داند و عدول از این مدل را به هر دلیلی، مابین مصالح ملی می شمارد. حزب توده ایران، طرفدار بخش دولتی دمکراتیک است. این بخش باید علاوه بر رشته های استراتژیک، فقط در صنایع کلیدی سرمایه بر، که بخش خصوصی حاضر به سرمایه گذاری در آنها نیست، فعالیت کند.

حزب توده ایران مخالف انحصار مالکیت دولتی و یا رشد بی کنترل آن است.

حزب توده ایران در عین مخالفت با افزایش نامحدود قدرت اقتصادی دولت، مخالف حاکمیت بخش خصوصی سرمایه داری بر اقتصاد نیز هست.

حزب توده ایران پشتیبان مالکیت تعاونی و گسترش آن برای دستیابی به عدالت اجتماعی است و با همه توان از منافع شرکت های تعاونی دفاع خواهد کرد.

حزب توده ایران مشوق بهره گیری از همه امکانات بخش های تعاونی و خصوصی برای رقابت سالم با بخش

دولتی است.

حزب توده ایران برای پیشبرد هرچه سریعتر رشد اجتماعی - اقتصادی متکی بر مدل سه نوع مالکیتی، معتقد به شرکت فعال ایران در تقسیم کار بین المللی است.

حزب توده ایران بر آن است که هم کارگران، هم بورژوازی و هم لایه های بینابینی، باید در اداره تولید، شرکت فعال داشته باشند. فقط در این صورت، می توان حکومت دارای ثبات سیاسی بوجود آورد. چنین حکومتی روبنای دمکراتیک اقتصاد سه نوع مالکیتی خواهد بود.

حزب توده ایران معتقد است که دهقانان صاحب زمین باید رأساً سرنوشت خویش را بدست گیرند و در صورت تمایل می توانند در تعاونی های تولیدی شرکت کنند.

جبهه واحد

استراتژی سیاسی حزب توده ایران متوجه عملکرد موثر مدل سه نوع مالکیتی رشد به معنای پلورالیسم اقتصادی و سازماندهی جنبش همه خلقی برای دفاع از مدل جدید در محدوده پلورالیسم سیاسی، است. این مکانیسم ها باید در چارچوب یک جبهه واحد مرکب از همه نیروها و شخصیت های سیاسی هوادار آزادی و دموکراسی، موثرتر و کارا تر عمل کنند.

حزب، این جبهه را یگانه نیروی محرکه مبارزه در راه طرد رژیم "ولایت فقیه" می داند و شعار "هرکه با مانعیت دشمن ماست" را نادرست می شمارد.

حزب توده ایران اعلام می کند:

- آماده مبارزه مشترک در کنار همه احزاب و سازمان های دمکراتیک از جمله شخصیت های سیاسی و جریان های سیاسی - مذهبی است؛

- معتقد به استفاده از معیارهای نوین به معنای رد هرگونه "بدبینی" و "پیشداوری" تکیه بر نکات مشترک است؛

- "دشمنی" در برخورد اندیشه ها و عقاید احزاب و سازمان های سیاسی و سیاسی - مذهبی برخاسته از بطن جامعه را غیراصولی می داند؛

- به مسابقه مسالمت آمیز خط مشی ها و برنامه های گوناگون اعتقاد دارد و تحمل دگراندیشان حامل عقاید و برنامه های سیاسی مختلف را شرط ضرور تبادل اندیشه ها و مسابقه برنامه ها و تجلی فرهنگ سیاسی می داند؛

- جبهه واحد، ارگانی است برای تجمع نیروهای ضد رژیم در مقطع زمانی معین، با سمت گیری مشخص به منظور دستیابی به مقدم ترین هدف ممکن. پذیرش این هدف و پیروی از آن به معنای عدول احزاب و سازمانها از مواضع اجتماعی - اقتصادی و سیاسی بازتاب یافته در برنامه هایشان نبوده و نیست؛

- مبارزه در راه جبهه واحد نیروهای دمکراتیک را نه یک هدف تاکتیکی، بل استراتژیک برای خود می شمارد.

برخاسته از این دیدگاه، حزب توده ایران تشکیل "جبهه واحد" را یک ضرورت تاریخی و میهنی در لحظه کنونی می داند. به این سبب وظیفه سیاسی حزب گسترش هرچه بیشتر پایه های اجتماعی خود در جامعه به منظور ایفای

نقش هرچه فعالتر در جبهه واحد است.

حزب توده ایران باید کار در میان کارگران و متمرکز ساختن فعالیت در کارخانه های بزرگ را تسریع بخشد. در عین حال باید کار روشنگری میان لایه های بینابینی را هرچه بیشتر توسعه دهد. حزب توده ایران همیشه از منافع دهقانان کم زمین و بی زمین دفاع کرده است. به موازات ادامه این سیاست، حزب توجه به خواسته های دهقانان میانه حال را نیز مد نظر قرار می دهد. حزب باید در شهرها و روستاها پایگاه اجتماعی خود را گسترش بخشد.

x x x

مبارزه حزب در راه آزادی و دموکراسی و صلح و عدالت اجتماعی از طریق طرد رژیم ولایت فقیه، هدف معین و مشخص پیشرفت اجتماعی را تعقیب می کند. برای دستیابی به این هدف، شرکت همه مردم ضرورت دارد. این نیز به نوبه خود مستلزم دوری از پندارگرایی و نتیجه گیری از واقعیات جامعه، و دوری گزیدن از دکماتیسم و سکتاریسم است.

حزب توده ایران صریحا اعلام می کند که با درک ویژگیهای شرایط جامعه و آرایش نیروهای سیاسی و اجتماعی، آماده همکاری با همه اقشار و طبقات اجتماعی منجمله بورژوازی و همه سازمان های آنها اعم از سیاسی و سیاسی - مذهبی است. این همکاری فقط مشروط به پذیرش و مراعات اکید پلورالیسم سیاسی است.